

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۰۶

یونس نگاه

## خدمت طالبان به جامعه تاجیک



یونس نگاه

این عنوان شوک‌آور را قصداً انتخاب کردم تا خواننده هنگام خواندن این متن پیام اصلی را فراموش نکند. حاکمیت طالبان برای ملت ما عقب‌گرد، خیانت، ستم، معامله و افتادن به چاه ارتجاع بود. از این‌رو گذاشتن کلمه خدمت کنار نام طالبان، آن‌هم برای تعریف رابطه این گروه با بخشی از مردم ما که بیش از همه در این چندسال از سوی طالبان سرکوب شده‌اند، حتماً تعجب‌آور است. حق دارید. اما، این قاعده کلی را می‌دانیم که هر فاجعه‌ای در کنار عواقب تلخ و ویرانگر، می‌تواند برای بخشی از قربانیان حداقل اثرات جانبی و ناخواسته مثبت داشته باشد.

جامعه تاجیک در دوران جهاد به بیماری سیاسی خطرناک آلوده شد. مردمی که به شهرنشینی، زیرکی، کار، اداره و سواد مشهور بود نخست به جهادگرایی آلوده شد.

پروژه‌های جهادی، میانه‌روان و ترقی‌خواهان تاجیک را حذف و منزوی کرد. آن جهادگرایی با موفقیت نسبی نظامی و سیاسی همراه شد و در نتیجه نوعی توهم قدرت از مجرای لمپنی، قومندانی و ماجراجویی در ذهن بخشی از جامعه تاجیک تزریق گردید. دیگر کتاب، اداره، بازار، تجارت، شهر و همدیگر‌پذیری نداعی‌گر نام تاجیک نبود، بلکه شنیدن نام تاجیک دستمال چارخانه‌ای، واسکت پرتله‌مانند، موهای فرفری چرب و کشتال، پاجه‌های برزده و جوانان برچه و تفنگچه دربغل (حداقل در کابل و بخش‌هایی از شمالی) به ذهن غیرتاجیکان زنده می‌کرد.

بعد از حمله امریکا، قومندانان روستایی که ریشه‌های لمپنی داشتند به قدرت رسیدند و شهرها و روستاهای تاجیک‌نشین را به جزیره‌های قدرت ملوک‌الطوایفی بدل کردند. در آغاز قرن بیستویکم، جامعه‌ای که نقطه وصل مردم افغانستان شناخته می‌شد و در مقایسه به اقوام پشتون و هزاره کمتر قبیله‌ای و فیودالی‌زده بود، گرفتار وضعیت شبه‌فیودالی و ملوک‌الطوایفی شد که در آن هر لمپنی به نام رهبر، جنرال و قومندان گوشه‌ای از جامعه تاجیک را انحصار کرده و خود را مثل خان‌های قرن نوزدهم قوم هزاره، و امیران و خلیفه‌ها و مفتی‌های امروزی پشتون، ناف زمین و شکست‌ناپذیر احساس می‌کردند. موتر، پول، تفنگ و کشفش قومندان‌ها و لومپنان بخش بزرگی از درس‌خوانده‌ها و متفندان تاجیک را دچار توهم قدرت قومی کرده بود و باقی آن مردم دوست‌داشتنی ما را منزوی و حاشیه‌نشین نموده بود.

اگر آن وضعیت ادامه می‌یافت، مردم تاجیک به آسانی از دو بلای حاکمیت ملوک‌الطوایفی لومپن‌ها و قومندانان از یک‌سو و توهم قدرت قومی از سوی دیگر رها نمی‌شدند. زورمندان جامعه تاجیک از موضع ارتجاعی و مخرب در عرصه‌های سیاسی و نظامی قدرت‌مند شده بودند. این‌گونه آنان به‌دسته خودبیران‌گری می‌کردند.

برگشت طالبان تمام جامعه تاجیک را تکان داد و بخش بزرگی از درس‌خوانده‌های این مردم را بیدار ساخت که راه اشتباه می‌رفته‌اند. حالا خیلی‌ها دریافته‌اند که قومندان‌بازی و جهادی‌گری برای جامعه‌شان سود نداشته است و زمینه نفوذ داعش و طالب را در میان توده تاجیک مهیا ساخته بود. گروهی از غیرجهادی‌هایی که به‌دلایل قومی پشت جهادی‌ها می‌ایستادند نسبت به موضع خود حداقل دچار شک و تردید شده‌اند.

مهم‌تر از آن، گروه طالبان تفنگ و جهاد را از شان مردم تاجیک برداشته و یک‌سره بر شان‌های زخمی و کوفته مردم خوب پشتون ما قرار داده است. طالبان، تاجیک‌ها را خلع جهاد و خلع سلاح کرده است. برداشتن این دو بار سنگین از دوش مردمی که چند دهه در کورت جهاد و تفنگ و حاکمیت لمپن‌ها غرق شده بود، کار آسان نبود. برای خود مردم تاجیک برداشتن این بار شاید چند نسل مبارزه و تلاش می‌برد. بلی، مردم تاجیک ظاهراً خلع سلاح شده‌اند، ولی در واقع و اگر نگاه تاریخی و درازمدت داشته باشیم، سبک‌دوش و آزاد شده‌اند. از ملوک‌الطوایفی و حاکمان لومپن‌شان رهایی یافته‌اند. پس از این فرصت دارند که راه‌های بدیل رهایی را بجویند. حتی اگر به تفنگ هم دست

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

می‌برند با روایت متفاوتی بچنگند و به ریشه‌های نرم قدرت، از جمله تعلیم، آزادی و روابط دمکراتیک درون قومی و ملی توجه کنند.

در افغانستان پس از طالب، تاجیک‌ها سبک‌بارتر خواهند بود و تیزتر از گذشته در رقابت‌های سازنده خواهند دوید. متأسفانه اکنون بارهای دست‌وپاگیر و کشنده جهاد، سنت، ملوک‌الطوایفی و ارتجاع به دوش قوم عزیز پشتون افتاده است. ظاهراً عده‌ای از تحصیل‌کرده‌گان فاشیست یا سادملوح پشتون شاید از دیدن لومپن‌ها و قومندانان قومی در قدرت احساس پیروزی کنند، اما خیلی‌ها در میان پشتون‌ها نیز می‌دانند که جل‌کهنه‌های جهاد، تندروی و ارتجاع با جامعه پشتون بسیار جفا خواهد کرد. از همین‌روست که عده‌ای از روشنفکران بیدار جامعه پشتون نسبت به همتایان تاجیک و ازبیک و هزاره‌شان در برابر طالب آشکارتر و آشتی‌ناپذیرتر سخن می‌گویند و مبارزه می‌کنند. از همین‌روست که پشتون‌های آگاه با جدیت تمام علیه طالبانیزم می‌ایستند. با گذشت زمان این آگاهی میان پشتون‌های ما افزایش خواهد یافت. اما، شستن کثافت طالب بیش از هر جای دیگر در درون جامعه پشتون وقت خواهد گرفت و اگر دیر بجنبیم، این بخش بزرگ جامعه ما را در رقابت سازندگی و آبادی بسیار تضعیف خواهد ساخت.

تاجیک‌های ترقی‌خواه باید قدر همراهان پشتون‌شان را بدانند، با آنان همدردی کنند و برای رهایی همکار باشند. تاجیک‌ها تنها در صورتی دوباره حمال جل‌کهنه‌های جهاد و لمپنیزم خواهند شد که به‌فرض، پروژه‌های مثل داعش در میان این قوم تقویت شود، و جمع مرتجع و سفاکی با کشتار و سربریدن و ویرانگری قدرت از آدرس تاجیک گیرند. در غیر آن، تاجیک‌ها وارد تحول سرنوشت‌ساز و مثبت شده‌اند و جایگاه سازنده‌ای در معادلات ناگزیر دمکراتیک آینده خواهند داشت.

[آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین](#)